

« هدف کلی درس : آشنایی اجمالی با وضع فرهنگی و سیاسی عصر ائمه اطهار (ع) »

« خلاصه درس هفتم « وضعیت مسلمانان پس از رحلت رسول خدا » دین و زندگی (۲) یازدهم ، ریاضی و تجربی »

* **اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان پس از رحلت رسول خدا (ص)** ← مسئولیت مرجعیت دینی و ولایت و حکومت رسول خدا، پس از ایشان نیز ادامه می یابد و براساس تدبیر حکیمانه خداوند، امیرالمؤمنین و امامان معصوم از نسل ایشان جانشینی رسول خدا را بر عهده گرفتند و از جانب خدا به ولایت و رهبری جامعه برگزیده شدند. البته پس از رحلت رسول خدا (ص) حوادثی پیش آمد که باعث دور افتادن مردم از رهبری و هدایت امامان معصوم شد. این مسئله، شرایط و اوضاع اجتماعی خاصی را در جامعه آن روز پدید آورد.

* **آیه « و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل ا فان مات او قتل انقلبتم على اعقابكم و من ينقلب على عقبيه فلن يضر الله شيئا و سيجزي الله الشاكرين »**
(آل عمران ۱۴۲)

ترجمه : و محمد نیست ، مگر رسولی که پیش از او رسولان دیگری بودند. پس اگر او بمیرد یا کشته شود، آیا شما به گذشته [و آیین پیشین خود] باز می گردید؟ و هر کس به گذشته باز گردد، به خدا هیچ گزند و زبانی نرساند و خداوند به زودی سیاستگران را پاداش می دهد.
این آیه به خطر بازگشت به ارزش های دوران جاهلیت به مردم زمان پیامبر هشدار می دهد؛ زیرا ارزش های دوران جاهلیت فقط اختصاص به زمان پیامبر ندارد، بیروان پیامبران قبلی هم به آیین های گذشته خود بازگشته اند. سیاستگران واقعی نعمت رسالت پیامبر در جامعه امروزی کسانی هستند که به دوره جاهلیت و رفتارها و ارزش های آن زمان بازنگردند و بر اساس همان برنامه ای که پیامبر اسلام از سوی خداوند ارائه کرده است، زندگی می کنند.

* **خلاصه ای از رخداد های عصر امامان** ← پس از رحلت رسول خدا حوادثی رخ داد که رهبری امت را از مسیری که پیامبر (ص) برنامه ریزی کرده بود، خارج کرد و نظام حکومت اسلامی که بر مبنای « امامت » طراحی شده بود، تحقق نیافت و امامان معصوم با وجود حضور در جامعه، فاقد قدرت و امکانات لازم برای اجرای همه جانبه مسئولیت های خود شدند. فقط در یک **دوره کوتاه چهار سال ونه ماهه** ، اداره حکومت به امام علی (ع) رسید و آن حضرت، با وجود مشکلات و جنگ هایی که با عهدشکنان و دشمنان داخلی داشتند، عالی ترین نمونه حکومت را عرضه کرد. اما طولی نکشید که حکومت به دست بنی امیه افتاد. آنان کسانی بودند که سرسختانه با پیامبر اکرم مبارزه می کردند و فقط هنگامی تسلیم شدند که پیامبر اکرم شهر مکه را فتح کرد و آنان راهی جز تسلیم و اطاعت نداشتند. ابوسفیان که رهبری مشرکان را بر عهده داشت، حدود دو سال قبل از رحلت پیامبر به ناچار تسلیم شد و به ظاهر، اعلام مسلمانی کرد. پسر او، معاویه، که جنگ صفین را علیه امیرالمؤمنین به راه انداخت، در سال چهارم هجری با بهره گیری از ضعف و سستی یاران امام حسن، حکومت مسلمانان را به دست گرفت و خلافت رسول خدا را به سلطنت تبدیل کرد. معاویه، برخلاف تعهدی که به مسلمانان داده بود، یزید را جانشین خود قرار داد؛ یزید هر کار زشت و ناپسندی را انجام می داد؛ احکام خداوند، مانند نماز را به بازی و سخره می گرفت، آشکارا شراب می خورد، سگ بازی و میمون بازی، می کرد و با همان سگ و میمون، وارد مجالس می شد و آنها را کنار دست خود می نشاند. وی، نوه گرامی پیامبر، امام حسین و فرزندان و یارانش را با وضع هولناکی به شهادت رساند و خانواده ایشان را که از نوادگان پیامبر بودند، به عنوان اسیر، در شهرها گرداند.

* **عواملی که باعث شد بعد از گذشت پنجاه سال از وفات پیامبر ، نوه ایشان « امام حسین » توسط امت پیامبر به شهادت برسد :**
خارج شدن رهبری امت از مسیری که پیامبر اسلام برنامه ریزی کرده بود. مساله ای که باعث شد نظام حکومت اسلامی که بر مبنای « امامت » طراحی شده بود، تحقق نیابد و امامان معصوم با وجود حضور در جامعه ، فاقد قدرت و امکانات لازم برای اجرای همه جانبه ی مسئولیت های خود باشند. همین امر باعث شد به مرور حاکمان فاسدی همچون معاویه و یزید بر جامعه حاکم شوند، ارزش ها و الگوهای جامعه تغییر کند و در نهایت بهترین بندگان خدا توسط خود مسلمانان به شهادت برسند. زمانی که رهبری امت به دست نا اهلی همچون یزید افتاد، نوه ی پیامبر را به شهادت رساند .

* **از دیدگاه حضرت علی (ع) عواملی که سبب سوار شدن بنی امیه بر تخت سلطنت شد ؛ عبارتند از :**

(۱) سرپیچی از دستورات امام

(۲) اختلاف و تفرقه میان مسلمانان

* **حضرت علی مسلمانان را از روزی بیم می دادند** ← که بنی امیه به ستمگری حکومت ادامه دهند تا جایی که حرامی باقی نماند جز آنکه حلال شمرده شود. در آن زمان دو دسته گریبان خواهند بود. دسته ای بر دین خود که آن را از دست داده اند و دسته ای برای دنیای خود که به آن نرسیده اند.

* **پس از سقوط بنی امیه** ← حکومت به دست بنی عباس افتاد. آنان با اینکه خود را از عموزادگان پیامبر (ص) می دانستند و به نام اهل بیت، قدرت را از بنی امیه گرفته بودند، روش سلطنتی بنی امیه را ادامه دادند و در ظلم و ستم به اهل بیت پیامبر (ص) از چیزی فروگذار نکردند، به گونه ای که اگر تحول معنوی و فرهنگی ایجاد شده در عصر پیامبر و دو میراث گران قدر آن حضرت قرآن کریم و ائمه اطهار نبود، جز نامی از اسلام باقی نمی ماند.

* **چالش های بوجود آمده در عصر ائمه (ع) نتیجه** ← دوری از راه و رسم ترسیم شده از سوی پیامبر (ص) و جانشینان ایشان بود.

* **مهم ترین چالش های عصر ائمه که نتیجه دوری از راه و رسم ترسیم شده از سوی پیامبر و جانشینان ایشان بود :**

۱) **ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اسلام (ص)** ← پس از رحلت رسول خدا (ص) سفارش آن حضرت به نوشتن سخنانی نادیده گرفته شد و هرگونه نوشتن احادیث آن حضرت ممنوع شد. به همین جهت، کسانی که به این احادیث علاقه مند بودند، فقط می توانستند آن ها را به حافظه بسپارند و از این طریق به دیگران منتقل کنند.

* **نگهداری حدیث به شیوه حفظ کردن پس از رحلت رسول خدا (ص) نتایج نامطلوبی داشت ؛ از جمله :**

الف : احتمال خطا در نقل احادیث افزایش یافت و امکان کم و زیاد شدن عبارت ها یا فراموشی شدن اصل حدیث فراهم شد.

ب : شرایط مناسب برای جاعلان حدیث پیش آمد و آنان بر اساس غرض های شخصی به جعل یا تحریف حدیث پرداختند، یا به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کردند.

ج : بسیاری از مردم و محققان از یک منبع مهم هدایت بی بهره ماندند و ناچار شدند سلیقه شخصی را در احکام دینی دخالت دهند و گرفتار اشتباهات بزرگ شدند.

* **نکته مهم** ← پس از منع نوشتن احادیث پیامبر اسلام (ص) اوضاع نا بسامان حدیث، تا حدود زیادی برای پیروان ائمه پیش نیامد ؛ زیرا آن بزرگواران احادیث پیامبر اسلام را حفظ کرده بودند و شیعیان این احادیث را از طریق این بزرگواران که خود انسان هایی معصوم بودند و سخنان آن ها مانند سخنان رسول (ص) معتبر و موثق بود، به دست آوردند.

۲) **تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث** ← برخی از عالمان وابسته به بنی امیه و بنی عباس و گروهی از علمای اهل کتاب مانند کعب الاحبار که ظاهراً مسلمان شده بودند، از موقعیت و شرایط برکناری امام معصوم استفاده کردند و به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان پرداختند. برخی از آن ها در مساجد می نشستند و داستان های خرافی درباره پیامبران برای مردم نقل می کردند. این مطالب به کتاب های تاریخی و تفسیری راه یافت و سبب گمراهی بسیاری از مسلمانان شد.

۳) **ارائه الگوهای نامناسب** ← عموم مردم در اعتقادات و عمل خود، دنباله روی شخصیت های برجسته جامعه هستند و آن ها را اسوه قرار می دهند. در زمانی که رسول خدا اسوه مردم بود، انسان های آزاده، با ایمان و شجاعی چون امام علی، مقداد، عمار، ابوذر و سلمان تربیت شدند، اما هرچه که جامعه از زمان پیامبر فاصله می گرفت، حاکمان وقت تلاش می کردند که شخصیت های اصیل اسلامی، به خصوص اهل بیت پیامبر را در انزوا قرار دهند و افرادی را که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی دور بودند، به جایگاه برجسته برسانند و آنها را راهنمای مردم معرفی کنند.

۴) **تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت** ← پس از گذشت مدتی از رحلت رسول خدا جاهلیت با شکلی جدید وارد زندگی اجتماعی مسلمانان شد و شخصیت های با تقوا و جهادگر و مورد اعتماد پیامبر اسلام بر کنار شدند و طالبان قدرت و ثروت قرب و منزلت یافتند. (انزوای شخصیت های مورد احترام و اعتماد رسول خدا (ص) و قرب و منزلت طالبان قدرت و ثروت)
حاکمان بنی امیه و بنی عباس به تدریج مسیر حکومت را عوض کردند و برای خود و اطرافیان شان کاخ های بزرگ و مجلل ساختند و این تغییر مسیر جامعه مؤمن و فداکار عصر پیامبر را به جامعه ای راحت طلب، تسلیم و بی توجه به سیره و روش پیامبر اسلام تبدیل کرد.
این تغییر فرهنگ، سبب شد که ائمه اطهار با مشکلات زیادی روبه رو شوند و نتوانند مردمان آن دوره را با خود همراه کنند.

* **فواید آگاهی از اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر ائمه :**

تاریخ ائمه پر از درس و گنجینه ای از اطلاعات است؛ با شناخت اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر ائمه، بر آگاهی و بصیرت ما افزوده می شود. از آنجا که شرایط هر یک از ائمه با برخی از دوره های زندگی ما شباهت هایی دارد می توانیم از این شرایط و اتفاقات و نتایج آنها الگوگیری کنیم. هم چنین پیروان جبهه حق و باطل همیشه در طول تاریخ از نظر ویژگی های رفتاری و شخصیتی، مشخصه های ثابتی داشته اند و این مساله می تواند در هر عصری ما را در شناخت اهل حق و یا اهل باطل یاری کند. از همین رو شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی بر این امر تکیه می کند که شمر زمان امام حسین (ع) مرده است و هر کس باید شمر زمان خود را بشناسد و علیه او جبهه بگیرد.